

نقد رأی دادگاه تجدیدنظر استان با تأکید بر انتقال ارادی دعوا فیض اله قاندى^۱

چکیده:

انتقال دعوا به این معناست که حق اقامه دعوا و ادامه جریان دادرسی از شخصی به شخص دیگر منتقل شده و منتقل الیه قائم مقام منتقل عنه شود. قوانین آیین دادرسی درباره انتقال ارادی، حکمی ندارند و این امر موجب، تفسیرهای متفاوتی شده است: برخی دادگاهها انتقال دعوا به طور ارادی را نمی‌پذیرند؛ پس از انتقال «موضوع دعوا» در جریان دادرسی، به لحاظ این که خواهان ذی نفع نیست، قرار «رد دعوا» صادر می‌کنند. برخی دادگاهها، انتقال دعوا را می‌پذیرند و منتقل الیه را طرف دعوا می‌دانند. با توجه به ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد انتقال قهری و بند ۶ ماده ۸۴ همان قانون و تبصره و ماده ۴۲ قانون ثبت و بند یک ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و مواد قانونی پراکنده دیگر، اصل قائم مقامی، ضوابط و قواعدی مانند: ذی نفع بودن متداعیین، اعتبار امر مختومه، تبعیت فرع از اصل، قاعده تسلیط و دکترین حقوقی و برخی آراء دادگاهها، بویژه آراء مراجع عالی قضایی، به نظرمی رسد «انتقال دعوی ارادی» همانند انتقال دعوی قهری در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است. پذیرفتن انتقال دعوا، مانع اطاله دادرسی و تحمیل هزینه دادرسی مضاعف بر اصحاب دعوا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: انتقال گیرنده، جریان دادرسی، حق اقامه دعوا، ذی نفع، رد دعوا، طرف دعوا، قائم مقام.

۱. رئیس کل دادگاههای عمومی و انقلاب شهرکرد